

من بازی کردند و چقدر هم نقش خوبی از آب درآمد. آقای ملاقلی پور بار دیگر برای فیلم "پرواز در شب" به من پیشنهاد بازی دادند و گفتند تو باید در فیلم من بازی کنی. من گفتم که در طول روز به مدرسه می‌روم و نمی‌توانم بیایم. او گفت اشکالی ندارد چون فیلم من "پرواز در شب" است و فقط شبها فیلمبرداری داریم. در نهایت پیشنهاد او را پذیرفتم و شبها شروع به فیلمبرداری کردیم. یادم است در لشکر ۲۷ دو کوه بودم که بچه‌ها گفتند تلفن با تو کار دارد. به مخابرات لشکر رفتم و گوشی را برداشتم و دیدم رسول ملاقلی پور با عصیانیت می‌گوید پاشو بیا، فیلم من را خوابانده‌ای! بعد من از جبهه مرخصی گرفتم و با همان ریشها و موهای بلند به سر فیلمبرداری فیلم "افق" رفتم.

✘ پس از فیلم "افق" بود که باب این شوخی باشما باز شد و گفتند سید جواد هاشمی شهید ثابت تمام فیلمهای دفاع مقدس است؟

"افق" سومین فیلمی بود که من در آن شهید می‌شدم! پیش از آن در فیلمهای "پرواز در شب" آقای ملاقلی پور و "انسان و اسلحه" به کارگردانی آقای مجتبی راعی نیز شهید شده بودند! آقای ملاقلی پور به آقای راعی گفته بود من سید جواد هاشمی را به تو قرض می‌دهم ولی برای فیلم "افق" باید سریع او را به من برگردانی. من در فیلم "انسان و اسلحه" فرار بود کمی دیرتر شهید شوم! ولی آقای راعی به خاطر قولی که داده بود، کمی زودتر نقش من را شهید کرد!

✘ وقتی به پرونده کاری شما نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که سابقه آهنگسازی هم داشته‌اید. در جشنواره‌های منطقه‌ای آموزش

و پرورش هم کار کرده‌اید و منتها تا به حال خیلی کم به وجه آشنایی شما با موسیقی اشاره شده است. البته خودتان هم کمتر به این موضوع اشاره می‌کنید. دلیلش چیست؟

من موسیقی فیلمهای "بالهای سپید"، "پرواز روح"، "تشنه" و موسیقی سریال "حمله‌دار" به کارگردانی آقای جعفر سیمایی را ساخته‌ام. البته برخی از این آهنگسازها به اسم جواد هاشمی، برادر آقای مهدی هاشمی در آمده است.

ایشان باید از این بابت خودکشی کند (می‌خندد). من بیش از ۱۳۰ ترانه کودک و نوجوان در مجموعه‌های سرود آموزش و پرورش کار کرده‌ام؛ بنابراین درگیر آموزش و پرورش بودم و وقت زیادی پیدا نمی‌کردم که بخواهم موسیقی را به صورت جدی و بیرون از آن محدوده کار کنم. به همین خاطر وقتی متوجه شدم که نمی‌توانم

همتراز آدمهای بزرگ موسیقی شوم و فقط دارم از شرایط و نام خودم استفاده می‌کنم، تصمیم گرفتم آهنگسازی نکنم و جای آهنگسازان فیلم را تنگ نکنم. در آن دوره خیلی از افراد از من بهتر بودند اما آهنگسازی فیلم نمی‌کردند؛ یعنی من به واسطه قربانم با سینما داشتم جای آنها را تنگ می‌کردم؛ بنابراین تصمیم گرفتم حتی برای فیلمهای خودم نیز آهنگسازی نکنم و مقوله موسیقی فیلم را به کسانی بسپارم که از من بهتر و جلوتر هستند. البته موسیقی را کنار نگذاشتم منتها دیگر به صورت حرفه‌ای و جدی آن را دنبال نمی‌کنم. ضمن اینکه پدرم نیز آهنگساز بودند.

✘ بنابراین این علاقه به موسیقی به صورت ژنتیکی به شما رسیده است؟

بله همین‌طور است. من زمانی سرود می‌ساختم. آن موقع شادمهر عقیلی می‌آمد و در سرودهای من نوازندگی می‌کرد و یا آقای مجید اخشابی جزء ارکستر ما بود و در استودیو پاپ برایمان سنتور می‌نواخت. زمانی که دوره بزرگان موسیقی ایران بود، ما با مرحوم کلهر تقریباً هفته‌ای سه روز استودیو پاپ را اجاره می‌کردیم. من آن موقع خیلی پر کار بودم و مرتب کار می‌کردم. آهنگهای زیادی را برای آموزش و پرورش کار کردم که مهمترین آنها سرود "سرفراز باشی میهن من، ای فدایت جان و تن من" بوده است منتها هرگز جایی ننوشته‌اند شعر و آهنگ این سرود متعلق به سید جواد هاشمی است. همه اینها باعث باروری من شدند که امروز بتوانم شعرها و ملودیهای فیلم "پیشونی سفید" را بسازم و کار کنم. من فیلمنامه سه قسمت "پیشونی سفید" را در مدت سه روز نوشتم.



یک قسمت آن را در ۱۸ یا ۱۹ ساعت نوشتم. فقط نوشتن یک قسمت آن زیاد طول کشید. عیب کار من این بود که متن را بازنویسی نکردم.

✘ حتی به این فکر نکردید که متن را به یک نفر بدهید تا آن را دراماتورژی کند؟

کسی را پیدا نکردم. یا کسانی بودند که خیلی پول می‌گرفتند یا با فضای کودک بیگانه بودند.

خانم طائر پور در جشنواره کودک اصفهان که خانم برومند هم در آن حضور داشتند، انتقاد شدیدی نسبت به من کردند. در حالیکه فیلمنامه "پیشونی سفید ۱" در جشنواره کودک بر گزیده شده بود. البته من مجبور شدم ۱۰-۲۰ دقیقه از فیلمنامه را بزنم و به همین خاطر قصه دچار اختلال شد. ضمن اینکه یک سری چیزها به آن اضافه کردم تا مخاطب را جذب کند. خانم طائر پور به من گفتند تو را خدا فیلم درست حسابی بساز. گفتم مگر فیلم "پیشونی سفید ۱" بد بود؟ گفتند به هر حال یک فیلمی بساز که سرش به تنش بیارزد. من هم خوشحال شدم و هم ناراحت. از این بابت ناراحت شدم که چرا این تذکر فقط به من داده می‌شود؟ در حالیکه بعد از فیلم "گلنار" هیچ فیلم درست و حسابی در زمینه کودک و نوجوان ساخته نشده است. من جواب خانم طائر پور را ندادم چون فیلم "گلنار" قابل احترام است و ایشان تهیه کننده آن فیلم بودند.

من هنوز نسبت به سخیف بودن سینمای ایران که روز به روز دارد در ورطه نابودی فرهنگی می‌افتد، منتقد هستم. متأسفانه ۹۰ درصد فیلمهای اکران شده امروز برای خندانند تماشاگر دارند از حرفهای اروتیک استفاده می‌کنند. من در فیلم "پیشونی سفید" حتی یک حرف اروتیک نزنم. با این حال همه از جمله بچه‌ها و بزرگسالان به فیلم می‌خندند؛ بنابراین وقتی بدون حرفهای بد هم می‌شود تماشاگر را خندانند، پس چرا حرفهای بد می‌زنند؟

✘ به نظر شما سینمای ایران از کجا دچار انحراف شد که آدمها فکر کردند باید مسائل

دیگری را برای جذب مخاطب در آن مطرح کنند؟

سینمای ما گاهی که در اختیار آدمهایی مثل اصغر فرهادی است، سینمایی مؤلف است، اما متأسفانه ما به خاطر محدودیتها و خطوط قرمز باعث می‌شویم امثال اصغر فرهادی از ایران بروند و در خارج از کشور فیلم بسازند. برخی از خطوط قرمزی که من در موردشان صحبت می‌کنم ربطی به دین ندارند، منتها انگار ما می‌خواهیم جلوتر از دین و فرهنگ قدم بگذاریم که باعث

این اتفاقات می‌شویم. ما وقتی اصغر فرهادی را از دست می‌دهیم، باید توی سر خودمان بنزیم. فرهادی همان کارگردانی است که سریال "داستان یک شهر" را با تمام سادگیها و ضعفهایش ساخته است. با این حال وقتی فرهادی در این مملکت بزرگ می‌شود، یعنی ما برای آن خرج کرده‌ایم لطفاً ورق بزنید